

دیپلماسی حقوقی و حل مساله هسته‌ای ایران

علی بابایی مهر*

چکیده

دیپلماسی که به اندازه روابط بین دولت‌ها قدمت دارد، هیچ‌گاه به موضوعی خاص تعلق نداشته و به یک شکل مدل‌سازی نشده و همیشه مورد بحث محافل علمی حقوق و روابط بین‌الملل بوده است.

در این مقاله ما به نوعی نگاه جدید از دیپلماسی تحت عنوان دیپلماسی حقوقی اشاره خواهیم کرد و این سوال که آیا دیپلماسی حقوقی مسئله هسته‌ای ایران را حل کرد یا خیر پاسخ داده خواهد شد. باید توجه داشت که در یک سیستم حقوق بین‌المللی که بر پایه پوزیتیویسم منفعت‌طلبانه و رئالیسم سیاسی قرارداد، چیزی نمی‌تواند جای تئوری بازی را پر کند. دیپلماسی حقوقی همان لزوم به کارگیری حقوق بین‌الملل و استدلال و برهان‌طلبی در عرصه مذاکره است که مورد توجه مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران قرار گرفته بود. در دیپلماسی حقوقی مذاکره‌کنندگان می‌بایست با استفاده از طرح دعاوی حقوقی علیه طرف‌های

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.
(نویسنده مسئول: gatbabayee@iauc.ac.ir).

مقابل بر اساس اصول حقوق بین‌الملل موجود و نیز اصولی که به نظر طرف مدعی در زمره اصول حقوقی قرار می‌گیرند، اهداف و منافع خود را دنبال نماید. **واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی حقوقی، مسئله هسته‌ای ایران، موافقت‌نامه ژنو، برجام، حق غنی‌سازی.

مقدمه

دیپلماسی پیشینه‌ایی به تاریخ ملتها دارد (بیژنی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). جمهوری اسلامی ایران معتقد است یکی از راه‌های مبارزه با تحریم‌هایی که علیه ایران وضع شده دیپلماسی حقوقی می‌باشد (مصاحبه وزیر خارجه ایران با شبکه سوم سیما، ۹۲/۵/۳۱). این شکل دیپلماسی را می‌توان شکل جدیدی دانست و مذاکرات و موافقت‌نامه ژنو (آذر ماه ۱۳۹۲) میان ایران و کشورهای ۵+۱ در خصوص انرژی هسته‌ای بیانیه لوزان، و برجام را می‌توان بر پایه آن قلمداد کرد.

دیپلماسی به عنوان هنر، فن و علم می‌تواند نه تنها مانع تنش و درگیری و حتی جنگ گردد بلکه قادر است به خدمت صلح درآید و دولت‌های بسیاری را از ورطه هولناک و هراسان مخاصمه و حتی جنگ سرد رهایی بخشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴). بعد از فروپاشی شوروی و در دو دهه گذشته اکثر کشورها رویه خود را تغییر دادند و نوعی دیپلماسی جهانی و عمومی را به کار گرفتند (Kishan, 2001: 115). شاید در ابتدای امر نتوانیم این نوع دیپلماسی را مستقل از انواع دیگر آن بدانیم و بر این باشیم که باز هم باید بر شیوه‌های سنتی دیپلماسی عمومی و راه‌حل‌های صرفاً سیاسی تاکید داشت، لیکن دیپلماسی عمومی به این معناست که مردم از منازل خود و به وسیله دستگاه‌های ارتباطی می‌توانند به مسئولان فشار آورند تا خط‌مشی خاصی را دنبال کنند یا دست از عمل خاصی بردارند که می‌تواند در تضاد با سیاست‌ها و منافع ملی دولت‌ها باشد (سیمبر، ۱۳۷۴: ۸۵). دیپلماسی عمومی به منظور نشان دادن تلاش دولت‌ها برای نفوذ در اذهان مردم، از طریق اطلاعات دروغ و نادرست، با هدف توجیه و حمایت از سیاست خاص استفاده می‌شود (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۵۰). ولی دیپلماسی حقوقی به صورت فی‌ذاته از عوامل و اشخاص وارد به حقوق بین‌الملل ناشی می‌شود و با در نظر گرفتن جهات حقوقی

در مذاکرات، گام‌هایی به جلو بر می‌دارد که می‌تواند اعم از دوجانبه و یا چندجانبه باشد و قاعدتاً شکل آن پشت درهای بسته و به صورت مخفی سیاست‌گذاری می‌شود و تمام نقش آن به دولت‌مردان داده می‌شود و نه مردم عادی، و نیز در دیپلماسی حقوقی باتوجه به تعیین مسیر مذاکرات براساس حقوق بین‌الملل، انحراف از برهان طلبی و استدلال خواهی ممکن نخواهد بود.

نفوذ یک دولت تنها بستگی به نیروی جنگی آن نداشته بلکه قدرت دیپلماتیک نیز در آن موثر است که این عامل قدرت در بررسی روابط یک دولت با دول دیگر تعیین‌کننده بوده و در نتیجه الگوی کلی روابط میان دول را ترسیم می‌کند. (ویکلین، ۱۳۶۹: ۸۳). مفهوم اساسی دیپلماسی عمومی قدرت نرم است که موجب می‌شود یک کشور بتواند کاری کند که کشور های دیگر همان کاری را بخواهند که او می‌خواهد (آشنا و جعفری، ۱۳۸۶: ۲۰۱). برای مثال در سال ۱۹۶۰ قدرت نفوذ سیاسی دولت‌های غیرمتعهد بیشتر از قدرت جنگی‌شان بود. زیرا موقعیت خاص دیپلماتیک آنان بین دو ابر قدرت چنین نفوذی را تضمین می‌نمود. بر این اساس بود که اندونزی توانست هلند را برای پس گرفتن گینه غربی جدید تحت فشار قرار دهد، زیرا ایالات متحده جرات مخالفت با آن دولت را نداشت در غیر این صورت این امر سبب می‌گردید تا دولت مزبور به دامان شوروی بیافتد (ویکلین، ۱۳۶۹: ۸۵). اما امروزه اکثر دولت‌ها از دیپلماسی عمومی، حداقل به طور آشکارا پرهیز می‌کنند (F.Cooper, 2013: 438)

دکتر رضا سیمبر در مقاله‌ای تحت عنوان سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران به بررسی عوامل شکل‌گیری و استمرار تحریم در سیاست خارجی آمریکا پرداخته‌اند و در مقاله‌ای دیگر با عنوان فراسوی دیپلماسی بازدارنده: صلح سازی، پاسداری و تامین صلح، به راهبدهای بازسازی، تامین یا اجرای صلح اشاره می‌کنند و آنها را در راستای دیپلماسی بازدارنده مورد ارزیابی قرار می‌دهند. محمدگنجی دوست در مقاله‌ای تحت عنوان تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات سیر تکوین نوع جدیدی از دیپلماسی دیجیتالی را مورد بررسی قرار دادند و حسین سادات میدانی در مقاله‌ای با نام اختلاف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل، جنبه‌های حقوق بین‌المللی این اختلاف‌ها را ارزیابی کردند. در این مقاله ما به نوعی نگاه جدید از دیپلماسی تحت عنوان دیپلماسی حقوقی اشاره خواهیم کرد و این سوال که آیا

دیپلماسی حقوقی مسئله هسته‌ای ایران را حل کرد یا خیر پاسخ داده خواهد شد. باید توجه داشت که در یک سیستم حقوق بین‌المللی که بر پایه پوزیتویسم منفعت‌طلبانه و رئالیسم سیاسی قرارداد، چیزی نمی‌تواند جای تئوری بازی را پر کند. دیپلماسی حقوقی همان لزوم به کارگیری حقوق بین‌الملل و استدلال و برهان‌طلبی در عرصه مذاکره است که مورد توجه مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران قرار گرفته بود. در دیپلماسی حقوقی مذاکره‌کنندگان می‌بایست با استفاده از طرح دعاوی حقوقی علیه طرف‌های مقابل بر اساس اصول حقوق بین‌الملل موجود و نیز اصولی که به نظر طرف مدعی در زمره اصول حقوقی قرار می‌گیرند، اهداف و منافع خود را دنبال نمایند.

۱. مبانی نظری دیپلماسی حقوقی

۱-۱. مفهوم دیپلماسی حقوقی

واژه دیپلماسی از نمونه واژه‌هایی است که در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از معانی مختلفی برخوردار است و از دیدگاه‌ها و ابعاد گوناگونی تعریف می‌شود. از این رو دیپلماسی در معنای سنتی آن شامل تعاملاتی است که بین حکومت‌ها و دولت‌ها جریان می‌یابد (آشنا و جعفری، ۱۳۸۶: ۱۸۰). همه دولت‌ها سعی بر این دارند که جریان یک مذاکره را بر اساس منافع خودشان تغییر دهند بنابراین، این تعاملات سیاسی باید منافع هر دو طرف را تامین کند، تا بتوان به یک نتیجه مطلوب رسید. همه کشورها بر اساس رهیافت‌های روابط بین‌الملل در سیاست خارجی خود متأثر از دو متغیر عمده می‌باشند: متغیر غیرمادی یا ذهنی که در واقع همان باورها، هنجارها و دیدگاه‌های نخبگان تصمیم‌گیرنده آن کشورهاست؛ و متغیر مادی یا عینی که بوجودآورنده شرایط نظام‌مند یا سیستمی هستند؛ و در موارد مختلف بوجودآورنده احتمالی هم محدودیت‌ها و هم فرصت‌ها می‌باشند. در واقع همین محیط است که شرایط و محدوده ممکن برای کنش دولت‌ها را در عرصه سیاست خارجی به وجود می‌آورد (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

پافشاری بر روی یک موضع که مورد اختلاف طرفیت است می‌تواند حصول به توافق را به تعویق اندازد و مذاکره باید تا حدی ادامه پیدا کند که نتیجه نهایی حاصل شود. و این همان تئوری بازی^۱ در روابط بین‌الملل است و نیز ممکن است گاهی اختلافات آن قدر زیاد

باشند که اساساً مذاکرات بی‌نتیجه و عقیم باقی بماند که این از ماهیت تئوری بازی ناشی می‌شود. چنانچه مذاکرات برای حصول به نتیجه بر پایه حقوق بین‌الملل و برهان خواهی حقوق وضعی باشد ما آن را دیپلماسی حقوقی می‌نامیم.

به طور کلی، از سه عبارت نزدیک به هم در متون مورد جستجو استفاده شده است: دیپلماسی حقوقی، دیپلماسی قانون و دیپلماسی قضایی. منظور هر کدام از این عبارات به ترتیب بهره‌گیری از مفاد حقوق بین‌الملل، قانون و قانون‌گذاری، و سازوکارهای قضایی برای پیشبرد اهداف دیپلماسی می‌باشد. همچنین کسانی که این عبارات را به کار برده‌اند بعضاً سه موضوع مختلف را به جای یکدیگر نشانده‌اند: رایزنی حقوقی، دیپلماسی حقوقی و مذاکرات حقوقی. طبق بررسی‌های انجام شده، مراد عمده نویسندگان از دیپلماسی حقوقی ذیل سه دسته فعالیت‌های زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱. گروهی از محققان تلاش‌های صورت گرفته در قالب جهان‌شمول نمودن و بسط حقوق بشر میان کشورها را به عنوان دیپلماسی حقوقی تعریف کرده‌اند. ایجاد سازوکارهای معاهده‌ای برای تدوین حقوق بشر و اجرای مفاد آن‌ها در حوزه‌ای فراتر از حوزه صلاحیت ملی، در این قالب قرار می‌گیرد.

۲. گروهی که بر ضرورت توجه دیپلماسی به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات (همه روش‌های سیاسی، شبه حقوقی و قضایی) میان دولت‌ها و ارتقاء حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی تمرکز نموده‌اند.

۳. نهایتاً دسته دیگری که معتقدند دیپلماسی می‌تواند با استفاده از طرح دعاوی حقوقی علیه طرف‌های مقابل بر اساس اصول حقوق بین‌الملل موجود و نیز اصولی که به نظر طرف مدعی در زمره اصول حقوقی قرار می‌گیرند، اهداف و منافع خود را دنبال نماید.^۱ تعریف اخیر بیشتر به آنچه ما تحت عنوان دیپلماسی حقوقی مطرح می‌کنیم نزدیک است. به طور کلی اوضاع و احوال زمانی برای مذاکره مساعد خواهد بود که دو شرط به صورت همزمان وجود داشته باشد:

الف) طرفین توافق داشته باشند که آنها به راه‌حلی نیازمندند

ب) در مورد یک راه‌ل متفق‌القول باشند (دبیری، ۳۰: ۱۳۷۰)

اما تاکتیک‌هایی هستند که طرق مختلف مذاکره به شمار می‌آیند که عبارت‌اند از:

۱. رک: <http://www.afsaran.ir/link/359000>

الف) مذاکره کامل: که عبارت است از بحث و گفت و گو مستقیم بین اطراف درگیر در قضیه که بر طبق رضایت اطراف ذیربط و بر اساس مفاهیم ومفروضات مندرج در منشور صورت می گیرد.

ب) بهره گیری از مساعی جمیله

ج) پورپالز: گفتگوهای مقدماتی برای آماده ساختن زمینه مذاکرات اصلی که کمتر از یک مذاکره کامل رسمیت دارد.

د) استفاده از مکانیسم کنفرانس های موجود که لزوماً به کشورهایی که مستقیماً درگیر هستند محدود نمی شوند (دبیری، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۲).

زمانی که راه حل جدیدی به جای فرمول غیر قابل قبول ابداع شود و یا راه حل جدیدی به هنگام بروز مسئله جدید ایجاد گردد و نیز زمانی که طرفین به این نکته برسند که با یک موافقت نامه، بهتر می توانند کنار بیایند، تا بدون هیچ توافقی، و همچنین باید رابطه قدرت به سمت تساوی میل کند یعنی هنگامی که طرفی که دست را بالا نگه داشته موقعیتش تضعیف می شود و یا ضعیف سابق موقعیتش را تقویت می کند (دبیری، ۱۳۷۰: ۳۲-۳۰).

دیپلماسی حقوقی هم همانند دیگر دیپلماسی ها سه عنصر اصلی دیپلماسی که عبارت اند از:

۱. اجتماعی بودن

۲. دولتی بودن

۳. اثر موثر

را کاملاً داراست (Hurd, 2011). بنابراین مناسب نیست که دیپلماسی در معنای عمومی را تنها متعلق به وزرای خارجه و کارمندان دیپلماتیک بدانیم چرا که از معنای نسبتاً محدود استراتژیکی- سیاسی که زمانی برای آن وضع می شد فراتر رفته است (جواد، ۱۳۷۴: ۶۵).

۱-۲. عرف دیپلماسی حقوقی

مذاکره بین المللی بررسی یک اختلاف و یا وضعیت بین المللی از طریق مسالمت آمیز، به استثناء داوری و روش های قضایی است و با این هدف دنبال می شود که بین طرفین

ذی ربط و یا ذینفع یک مناقشه و یا وضعیت، نوعی تفاهم، اصلاح و بهبود و تطبیق به وجود آمده، یا فصل خصومت کند (دبیری، ۱۳۷۰: ۱۱). البته در بسیاری از موارد هم مذاکره برای کشورها به مثابه پوششی برای پنهان کردن مقاصد واقعی آنهاست (دبیری، ۱۳۷۰: ۲۹).

در همه نوع دیپلماسی استفاده از مشاوران حقوقی در مذاکرات از گذشته نیز مرسوم بوده که اولین وظیفه آنان نیز اطلاع‌دادن دولت‌ها از قواعد و مقررات بین‌المللی بوده است و این سوای دیپلماسی بر اساس حقوق بین‌الملل است (Stanko, 1998: 2). حقوق بین‌الملل شرایط و ویژگی‌های خاصی را برای به نتیجه رسیدن مذاکرات بین‌المللی پیش‌بینی نکرده است، ولی اصل برابری دولت‌ها در سیستم وستفالیایی حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند که طرفین از موضع برابر در مقابل هم‌دیگر قرار گرفته و به مذاکره بپردازند. با این حال، این موضوعات دلیلی بر این امر نیست که پایبندی به توافقی که بر اساس یک دیپلماسی حقوقی صورت گرفته الزامی باشد. برای مثال در صدر موافقت‌نامه ژنو، از "هدف این مذاکرات" سخن گفته شده است و نه از "هدف این معاهده یا موافقت‌نامه". در ادامه و "would" یا "will" هنگام برشمردن الزامات طرف‌ها از فعل کمکی استفاده شده است، درحالی که معمولاً برای بیان تعهدات حقوقی استفاده می‌شود. همچنین، "داوطلبانه" "shall" از فعل کمکی بودن اقدامات و موقت بودن توافق هم شواهد دیگری بر غیرحقوقی بودن این الزامات است (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲: ۱) و ماهیت الزام‌آور بودن موافقت‌نامه‌ها، همانند سابق به نیت طرفین باز و ایجاد ضمانت اجرا برای حسن اجرا باز می‌گردد.

بنابراین ماهیت ذاتی دیپلماسی حقوقی استفاده از روش‌هایی است که طرفین را به استفاده از حقوق بین‌الملل در مذاکرات خود سوق می‌دهد، به طور کلی این موضوع می‌تواند زوایای مبهم قضیه را روشن کند و باتوجه به تفاسیری که، ممکن است توسط مراجع حقوقی، از مذاکرات انجام گرفته‌ایی که منجر به انعقاد موافقت‌نامه می‌شود، انجام گیرد، احتمال بروز هرگونه خطایی کاهش یابد.

البته شاید بتوان دیپلماسی حقوقی را زیر مجموعه دیپلماسی موثر هم بدانیم که نیاز انطباق دیپلماسی با تحولات محیطی در راستای اهدافش را می‌نمایاند، امری که جز با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ابزارهای ارتباطی پیشرفته کسب اطلاعات و پردازش

روش‌مند آن برای تبدیل به دانایی اثر بخش، برای اقدام موثر و به هنگام در مرزهایی فراتر از محدوده‌های سنتی و غیرکارآمد ممکن نیست (گنجی دوست، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

مهم‌ترین چیز در دیپلماسی حقوقی استدلال و برهان طلبی است، در واقع دیپلماسی حقوقی بر پایه استدلال‌های حقوقی و منطقی برای اقناع ذهن طرف مقابل و نیز اعتمادسازی می‌باشد، و در مقابل برهان طلبی طرف مقابل برای مواجهه‌بودن ادله نیز لازم است. در دیپلماسی حقوقی ادله باید متقن بوده تا حصول به نتیجه آسان‌تر را موجب گردد و طرفین بتوانند از موضع برابر با یکدیگر برخورد کنند، در غیر این صورت این موضوع چیزی جز دیپلماسی اجبار نخواهد بود.

۳-۱. توان دیپلماسی حقوقی

جایگزینی دیپلماسی با حذف آن بسیار موهوم است (Watson, 2005: 9). هر چند که در شروع مذاکرات تمام مسائل ممکن است قابل مذاکره نباشند (دبیری، ۱۳۷۰: ۲۹). چه بسا بسیاری از اختلافات عمق بیشتری داشته باشند و برای حصول به یک توافق جزئی‌تر، باید ابتدا مسائل کلی‌تر را حل و فصل کرد. برگزیدن استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی که در مذاکره دیپلماتیک به کار می‌روند به درجه ناسازگاری میان اهداف و منافع دو یا چند ملت و میزان پایداری آن ملل به منافع مزبور و میزان تمایل طرف‌ها برای رسیدن به توافق بستگی دارد (دبیری، ۱۳۷۰: ۳۷). اما آن چه مبرهن است این است که دولت‌ها تصمیمات‌شان را براساس منافع ملی خود تعیین می‌کنند (D. Lowenthal, 2011: 8). جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ از ابتدا تمایل خود را برای حصول به نتیجه از راه مذاکره اذعان داشتند ولی تا قبل از موافقت‌نامه ژنو ۱۳۹۲، هیچ سندی با این وسع حقوقی امضاء نشده بود، یکی از دلایل مهم آن می‌تواند عدم اعتماد طرفین به یکدیگر، مخصوصاً ایران و در طرف دیگر کشورهای آمریکا، انگلستان و فرانسه دانست که حصول به نتیجه را دشوار می‌نمود. بنابراین در هر مذاکره‌ایی و در هر نوع دیپلماسی، عدم وجود اعتماد را می‌توان علتی برای شکست دانست. علاوه بر اعتماد، پیش‌شرط‌های دیگری نیز در یک مذاکره بین‌المللی لازم می‌نمایند که عبارت اند از:

- وجود یک وضعیت

- نگرانی بین‌المللی

- توجه به این نگرانی و تمایل به حل و فصل مسالمت‌آمیز

- تمایل طرفین به مذاکره

- تمایل به انطباق و رسیدن به هدف (دبیری، ۱۳۷۰: ۴۶-۴۵)

اگرچه این شروط لازم هستند ولی کافی نمی‌باشند. برای حصول به اعتماد طرفین باید تا حدی از موضع خود پایین آمده و بستر ایجاد به یک تفاهم را فراهم کنند. اعتماد وقتی افزایش خواهد یافت که طرفین از قبل برایشان روشن باشد که وقتی یکی از طرفین نقض تعهدی کرد یا وفای به عهد نمود، طرف مقابل عکس‌العمل مناسب با آن نشان خواهد داد (دبیری، ۱۳۷۰: ۴۲). همان‌طور که دولت‌ها از حقوق بین‌الملل برای توجیه رفتار خود استفاده می‌کنند، در واقع با این کار نوعی کمک به بازسازی و تقویت این کار دست می‌زنند و آن را قابل توجیه و استدلال می‌کنند (Hurd, 2011: 578). زمانی که صحبت از دیپلماسی حقوقی می‌شود، می‌توان الزام طرف مقابل را به پایبندی به این نوع مذاکره خواستار بود، و طرف مقابل را ملزم به اعتمادسازی کرد تا حصول به نتیجه آسان‌تر شود، کما اینکه تمامی متخصصین حقوق بین‌الملل نیز راه‌حل‌های سیاسی را بر راه‌حل‌های حقوقی اولویت می‌دهند.

به طور کلی دیپلماسی ایران باید باعث خروج انزوای آن شود، دوری ایران از جامعه جهانی در نخستین مرحله به خود این کشور صدماتی وارد می‌کند اما نباید فراموش کنیم که انزوای سیاسی ایران به ضرر آمریکا و در نگاهی کلان‌تر در راستای آسیب دیدن ثبات و صلح جهانی هم است. در نگاهی منطقی درمی‌یابیم که تنها کشورهایی که از انزوای ایران منتفع می‌شوند در حقیقت رقبای منطقه‌ای این کشور مانند عربستان و ترکیه و امارات و قطر هستند. بنابراین در صورتی که دیپلماسی حقوقی بتواند این خصلت را داشته باشد، می‌توان از آن در جهت پیشبرد منافع ملی استفاده کرد.

۲. تاریخچه مساله هسته‌ای و تبعات آن

۲-۱. تاریخچه مختصر مساله هسته‌ای

ماجرای انرژی هسته‌ای ایران و دستیابی آن به فناوری هسته‌ای از سال ۱۹۵۷ با قرارداد میان ایران و ایالات متحده تحت عنوان مشارکت هسته‌ای به عنوان بخشی از طرح آمریکا به عنوان اتم برای صلح منعقد شد. به موجب این قرارداد ایالات متحده متعهد

می‌شود که علاوه بر انتقال دانش هسته‌ای به ایران، چندین کیلوگرم اورانیوم غنی شده را برای مصارف تحقیقاتی و عملیاتی در اختیار ایران قرار دهد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۷). ایران در زمان حکومت پهلوی سعی در توسعه این انرژی داشت و قراردادهای دیگری نیز منعقد کرد و همچنین به دستور شاه مخلوع، یک مرکز تحقیقات هسته‌ای در دانشگاه تهران در سال ۱۹۵۹ نیز راه‌اندازی شد و در اول جولای ۱۹۶۸ هم به معاهده ان.پی.تی پیوست. با توجه به اینکه ایران در زمان حکومت پهلوی از هم‌پیمانان آمریکا و اسرائیل محسوب می‌شد، طبیعتاً هیچ اعتراض گسترده‌ای از جانب دیگر کشورها بدلیل توسعه فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیان نشد، اما بعد از انقلاب اسلامی، اگرچه ایالات متحده همواره از پیشرفت ایران نسبت به توسعه فعالیت‌های هسته‌ای اش بیم داشت، ولی ایران این مسیر را هیچگاه متوقف نکرد و اقدام به ساخت تاسیسات هسته‌ای و نیز انعقاد قراردادهایی برای توسعه آن با روسیه، چین، فرانسه و آلمان کرد^۱.

تأثیر پذیری ان.پی.تی از آمریکا نشانه استاندارد دوگانه^۲ آن است، و این می‌تواند نقطه ضعف آن قلمداد شود.

۱. ماده یک قانون موافقت نامه همکاری در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای بین دولت‌های فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین با دولت جمهوری اسلامی ایران مدت ۱۵ سال از سال ۱۹۹۲ منعقد شده بود مقرر می‌داشت:
- ماده یک: طرفین از طریق سازمان‌های ذریع و با توجه به نیازها و اولویت‌های برنامه هسته‌ای ملی، همکاری در مورد استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را بر اساس مفاد این موافقت نامه توسعه و تحکیم خواهند بخشید:

 ۱. تولید صنعتی قطعات و مواد ضروری برای استفاده در راکتورهای هسته‌ای و چرخه سوخت آن‌ها
 ۲. تحقیقات پایه و کاربردی در مورد استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای
 ۳. تحقیقات، طراحی، آموزش
 ۴. تحقیقات علمی و کاربردی در مورد ایمنی نیروگاه‌های برق اتمی، تجربه بهره برداری و سیستم‌های تشخیصی و پشتیبانی
 ۵. حفاظت رادیولوژیکی و ایمنی هسته‌ای
 ۶. تولید رادیو ایزوتوپ‌ها و کاربرد آنها
 ۷. چرخه سوخت اکولوژی
 ۸. طراحی، ساخت، بهره برداری از راکتورهای تحقیقاتی و نیروگاه‌های اتمی
 ۹. تولید صنعتی قطعات و مواد ضروری برای استفاده در راکتورهای هسته‌ای و چرخه سوخت آن‌ها
 ۱۰. خارج کردن مواد فزاینده بهره برداری، رفع آلودگی، و مدیریت پسماند‌ها
 ۱۱. تحقیقات در گداحت هسته‌ای
 ۱۲. تحقیقات در فناوری تولید لیزرها و کاربرد آن‌ها
 ۱۳. دیگر ابعاد فناورانه استفاده صلح آمیز انرژی هسته‌ای راضی‌الطرفین

استراتژی ایالات متحده در سال ۲۰۰۶ به گونه‌ایی بود که گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را بر علیه امنیت ملی خود می‌دانست (Spies, 2006: 402) و ایران هم بر اساس متن موافقت‌نامه ان.پی.تی، دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را حق خود دانسته و اذعان داشت که از آن عقب‌نشینی نخواهد کرد. کمیسیون وضعیت استراتژیک ایالات متحده در سال ۲۰۰۸ در گزارش خود در مورد گسترش سلاح‌های هسته‌ای هشدار داد و خاطر نشان کرد که که آژانس توانایی حمایت کافی و مورد نیاز از این موضوع و محافظت از مواد هسته‌ای را ندارد. (A Ford, 2009:25)^۱، بدین ترتیب نوعی دیپلماسی پیش‌گیرانه که از جانب دولت‌های غربی اتخاذ شده بود، این موضوع را مطرح کرد که ایران باید آژانس را متقاعد کرده که برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و پایبندی^۲ خود را به مقررات ان.پی.تی اثبات کند و در مقابل ایران هم این ادعا را داشت که هنوز هیچ دلیل حقوقی و صحیحی وجود ندارد که خروج ایران را از مقررات معاهده ان.پی.تی ثابت کند، با این حال در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ هیئت حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش خود اذعان داشت که ایران تعهدات خود را نقض کرده و به مواد معاهده ان.پی.تی اعتناء نمی‌کند (Spies, 2006: 424). این وضع شروع تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را موجب شد، که باعث بروز مشکلاتی در دیپلماسی ایران و دیگر کشورها می‌گردید. در این میان ایران به فعالیت‌های خود توسعه بخشید و تعداد سانتریفیوژها را افزایش داد و میزان غنی‌سازی را به ۲۰ درصد رساند و با توجه به ترور شدن چند تن از دانشمندان هسته‌ای‌اش، به بازرسان آژانس اجازه‌ای برای ورود و بازرسی نداد، که این موضوع خود باعث افزایش بیشتر تحریم‌ها و حتی تحریم نفت هم شد.

۱. اگرچه این امر، موضع غالب در آمریکا بود ولی بعضی از اندیشمندان امریکایی معتقد بودند که ایران نه تنها می‌بایست به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای دست پیدا کند، بلکه آمریکا باید وی را کمک کند تا به سلاح هسته‌ای نیز دسترسی داشته باشد. چرا که در تئوری رئالیسم سیاسی آنچه که موجب جلوگیری از جنگ می‌شود جهان دوقطبی است و برای جلوگیری از جنگ در خاورمیانه و توازن میان اسرائیل و ایران، ایران نیز باید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، و این سلاح هسته‌ای نقش لویاتان (تئوری توماس هابز) را در روابط طرفین بازی می‌کند. ولی ایران همواره در تمام زمان‌ها و در هر مکانی به طور رسمی از موضع خود مبنی بر عدم تمایل به داشتن این سلاح خبر داد.

۲. جهت مطالعه بیشتر در خصوص "پایبندی" رک: سید حسین سادات میدانی، اختلاف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵

۲-۲. تبعات مسئله هسته‌ای برای ایران

روحیه ملی یک حالت موقتی می‌باشد، میزان و حدود آن مربوط به موقعیت خاص است. مصمم‌بودن و آمادگی کامل برای افراد جهت حمایت از دولت متبوع در راه ثبات سیاسی عامل مهمی در ارزیابی قدرت جنگی (ملی) به شمار می‌رود. چنانچه افراد یک دولت دارای روحیه ضعیف می‌باشند، موقعیت آن دولت به خطر افتاده، دچار ضعف و ناتوانی می‌گردد (ویکلین، ۱۳۶۹: ۴۵). تحریم‌هایی که آمریکا، متحدانش و شورای امنیت علیه ایران وضع کردند باعث ایجاد یک شکاف اقتصادی در ایران شد که افزایش شدید قیمت‌ها و کمبود کالاها و مصرفی مردم را به دنبال داشت. اثر تحریم‌ها بر معیشت زندگی مردم ایران غیر قابل انکار است و تلاش‌های ایران نیز برای دور زدن تحریم‌ها، هیچ‌گاه نتوانست که به یک راه‌حل دائمی و منسجم پیوند بخورد و همواره تسکین‌دهنده‌ایی کوتاه‌مدت برای بعضی کالاها خاص بود.

با تحریم خرید نفت توسط ایالات متحده و عدم حصول پرداخت بهاء آن توسط خریداران نفت ایران، این ضربه بسیار کاری‌تر شده و سیستم اقتصادی ایران را که بر اساس درآمد نفت پایه‌ریزی شده بود تحت شعاع شدید خود قرار داد. طبیعتاً این موضوع خواستار ملت را برای بهبود وضعیت معیشت افزایش می‌دهد و روحیه ملی را تحت شعاع خود قرار خواهد داد.

یکی از پیش‌شرط‌های ایران در تمام مذاکرات خود برداشتن تمامی تحریم‌ها بوده و هیئت مذاکره‌کننده این موضوع را حداقل خواسته ملت ایران عنوان کرده‌اند، در حالی که بسیاری از تحریم‌ها نه از سوی ایالات متحده و نه از سوی اتحادیه اروپاست، بلکه به طور مستقیم توسط شورای امنیت و در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد اعمال شده، و معلوم نیست که ایران چگونه می‌خواهد با آنها کنار بیاید و یا مبادرت به حذف آنها کند. این درحالی‌ست که در عراق و بعد از سقوط حزب بعث صدام حسین، با اینکه حکومت در عمل در اختیار آمریکا و متحدانش بود، لغو تحریم‌های شورای امنیت ۱۲ سال به طول انجامید، و این روند طبیعی می‌نمود. در پایان نیز ایران موفق به انجام این کار نشد، چرا در توافق نهایی برجام، این نتیجه حاصل شد که تحریم‌ها به طور گام به گام و با حصول اطمینان ۱+۵ از اجرای تعهدات مندرج ایران و بعد دوره‌های زمانی معین برداشته شود.

۳. حقوق بین‌الملل و چالش‌های دیپلماسی در حل مساله هسته‌ای ایران ۳-۱. دیپلماسی حقوقی و چالش‌های پیش روی آن

زبان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به گونه‌ایست که اجازه قضاوت کردن برای شورای حکام آژانس را بر اساس گزارش مدیرکل می‌دهد (Spies, 2006: 422). بنابراین باید نوعی دیپلماسی به کار گرفته شود که این خلاء حقوقی را پوشش دهد چرا که عمدتاً برداشتی که از گزارش‌های مدیرکل می‌شود کاملاً سیاسی است. تفسیر کشورهای غربی معمولاً هم جهت با منافعشان خواهد بود و در این راستا عمدتاً ترجیح می‌دهند که به جای اینکه بعداً جلوی آن را بگیرند و یا با آن به رقابت بپردازند، اجازه ورود کشوری به عرصه خاص را ندهند، بدین سبب نظریه‌ایی تحت عنوان دکترین بازدارندگی به منظور حفاظت از صلح پایدار و در راستای حفظ برتری به وجود آمد، که عمده جهت‌دهی‌های شورای امنیت را به خود اختصاص می‌داد و این در چارچوب همان منطق زور و قدرت است که اساس مکتب رئالیسم سیاسی^۱ را به خود اختصاص داده.

۱-۱-۳. دکترین بازدارندگی و امنیت و صلح پایدار

دیپلماسی بازدارنده، به بهترین شکل می‌تواند در اولین مرحله بروز اختلاف کاربرد پیدا کند، چرا که در این مراحل مسائل مشخص و محدود هستند، طرف‌های کمتری در درگیری دخالت دارند و تاکتیک‌های استفاده شده توسط طرف‌های منازعه بیشتر جنبه شعاری دارند (سیمبر، ۱۳۷۸: ۸۳۳). منطق ایجاب می‌کند استراتژی هسته‌ای همچنان بر نهادهای سیاسی در واشنگتن و مسکو سایه افکنده باشد. بر اساس این منطق، بازدارندگی متقابل نه تنها به در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای از سوی دو دولت متخاصم بستگی دارد، بلکه توانایی هر یک از دوطرف برای تحمل ضربه اول بدون از دست دادن توان اقدام تلافی‌جویانه را طلب می‌کند (والتر، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۵۹).

نگاه بسیاری از کشورهای مذااره‌کننده در گروه ۵+۱ در ژنو یک نگاه امنیتی بود و معتقد بودند که مسئله هسته‌ای ایران صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد و این در حالی است که هیچ مدرکی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر غیرصلح‌آمیز

۱. بنیان‌گذار این مکتب نیکولو ماکیاوولی، با کتاب شهریار می‌باشد و افرادی مانند توماس هابز و اسپینوزا به ادامه و گسترش آن برآمده‌اند. در دوران معاصر می‌توان از هانس جی مورگنتا، به عنوان بسط‌دهنده و مبلغ این مشرب فکری، با کتاب سیاست میان ملت‌ها نام برد.

بودن برنامه هسته‌ای ایران ارائه نشد و استدلال طرف مقابل هم این بود که ایران تا کنون نتوانسته آژانس را متقاعد به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود کند.

ظاهراً این اصل کلی حقوق که مدعی باید دلیل ادعای خود را ارائه کند در این مورد کاربرد چندانی نداشته و جنبه سلبی به خود گرفته است. در نتیجه طرفین مجبور شدند برای حصول به یک راه‌حل پای میز مذاکره بنشینند. این در حالی بود که از ابتدا نگاه ایران به مسئله امنیت شباهتی با نگاه غرب نداشت، همان طور که دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در سال ۱۳۸۶ بیان داشت "جمهوری اسلامی ایران به مقوله امنیت نگاهی جهانی دارد. ما معتقدیم امنیت یک کل به هم پیوسته است و امنیت هر نقطه بر نقطه دیگر جهان تاثیرگذار است. بنابراین گفتمان سیاست خارجی ما گفتمان صلح و امنیت برای همه جهان و بر مبنای عدالت و معنویت است" (حجازی و زارعی، ، ۵۴۷:۱۳۸۷). طرفداران بازدارندگی برای توجیه آن می‌گویند این حداقل برای آنان صلح و ثبات را به ارمغان آورده است. در این باره باید گفت که از زمان تاسیس ناتو، اعضای آن در حدود ۱۰۰ جنگ و عملیات نظامی در سراسر جهان درگیر شده‌اند در ضمن باید یادآور شد که این دکترین بازدارندگی است که سبب به وجود آمدن وضعیت خطرناک فعلی درگیری بین‌المللی و همچنین عدم اعتماد بین کشورها و ایجاد اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های نظامی شده است. این دکترین با مسابقه تسلیحاتی نیز همراه بوده است که به نوبه خود عواقب سوء اقتصادی را برای بسیاری از کشورهای جهان به ویژه اعضای ناتو در بر داشته است. به طور خلاصه باید گفت که دکترین بازدارندگی برای حامیان آن عوایدی در برداشت که لااقل به نوعی صلح و ثبات برای آنان می‌انجامید ولی در عوض سبب مسابقه تسلیحاتی گشت و روابط متکی بر صلح پایدار را تحلیل برد و سبب درگیری شرق و غرب شده است (غریب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۲۵).

نوع دیگر دیپلماسی در این خصوص وجود دارد که آن را دیپلماسی اجبار می‌دانند به این معنا که یک طرف به جای استفاده از زور، به اعمال فشار علیه طرف مقابل می‌پردازد تا آن را قانع کند که از اقدام خود منصرف شود که موفقیت در این راستا به ۳ عامل: ۱. متناسب بودن، ۲. متقابل بودن و ۳. معتبر بودن اعمال فشار بستگی دارد (جنتلسون، ۲۰۰۶: ۱۲۲-۱۲۱). در واقع شاید بتوانیم سیاست غرب را نوعی دیپلماسی اجبار در جهت رسیدن به مفهوم دیپلماسی بازدارندگی بدانیم.

۲-۱-۳. استراتژی آمریکا و فرانسه در مقابل مساله هسته‌ای ایران

سیاست‌ها و دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا و رژیم صهیونیستی، از قاعده کلی حرکت محتاطانه و دوستانه جمهوری اسلامی ایران همچنان مستثنی است و به همین دلیل، محدودیت‌های تماس و هر نوع رابطه با آمریکا به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای دیپلماسی کشور به قوت خود باقی است (قالیباف، ۱۳۹۱: ۴۸). ایالات متحده آمریکا از ابتدای انقلاب ایران مواضع خود را بر علیه گسترش برنامه هسته‌ای ایران اعلام داشت و همیشه آن را خطر می‌دانست. این گفته دولت‌مردان آمریکا که "همه گزینه‌ها روز میز است" همیشه باعث نگرانی بوده و تهدیدی علیه ایران محسوب می‌شد و این در حالی است که ایالات متحده اورانیومی با غنای ۹۳٪ تولید می‌کند (روحانی، ۱۳۹۱: ۳۵) و این موضوع به عدم اطمینان دامن می‌زند و متقاعد کردن طرفین برای توافق بر موضوعاتی که از طرفی حق خود، و از طرف دیگر امنیت خود می‌دانستند را دشوار می‌ساخت. با روی کار آمدن دولت جدید در ایران در سال ۱۳۹۲ و اذعان این موضوع که اهتمام کافی از جانب طرف ایرانی برای حل این مسئله وجود دارد، این حساسیت‌ها را تا حد زیادی تقلیل یافت و منتج به توافق‌نامه ژنو شد، با این حال این بی‌اعتمادی‌ها در مجلس هر دو طرف هنوز وجود داشته است.

ایران برای نخستین بار توانست با توسل به دیپلماسی خود، شکافی میان دولت آمریکا و مجلس آن از یک طرف و از طرف دیگر بین دولت آمریکا و دولت اسرائیل از طرف دیگر، برسر مساله هسته‌ای ایران بیاندازد و خشم اسرائیل را از این توافق برانگیزد.

در حالی که روابط اسرائیل و آمریکا به اندازه کافی بر سر ایران و توافق ژنو ۳ متشنج بود، اکنون اتفاقی تازه بر تنش روابط دو طرف افزوده است. ظاهراً اسرائیل در دی ماه سال ۹۲ بدون آگاهی ایالات متحده و هماهنگی با آن، اقدام به فروش تجهیزات نظامی به چین کرده که این مساله موج تازه‌ای از انتقادهای دولت تل‌آویو به وجود آورده است. به گزارش روزنامه القدس العربی، چاپ لندن به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس اینترنشنال، بحران بر سر این مساله تا به آنجا رسیده که یکی از مسئولان وزارت دفاع اسرائیل برای آرام کردن خشم آمریکایی‌ها مجبور به استعفا شده است.

با این حال می‌دانیم که اگرچه ایالات متحده همواره متحد و پایبند به اسرائیل و منافع آن بوده ولی برسر مساله هسته‌ای اسرائیل هم، همچنان نگران بود تا جایی که

ایالات متحده یک طرح توافق دوجانبه که برای جلوگیری از توسعه سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل در نظر گرفته شده بود تهیه کرد. ولی این طرح خیلی زود موجب نگرانی و حتی رنجش هر دو طرف شد. از نظر آمریکا بازدیدهایی که از دیمونا^۱ انجام می‌گرفت کافی نبود و در سال‌های ۶۶-۱۹۶۵ جامعه اطلاعاتی آمریکا معتقد بود که اسرائیل برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای کار می‌کند و در مورد آن ایالات متحده را بازی می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۱: ۴۴۰-۴۳۹).

ایالات متحده همیشه این سیاست عدم امکان حصول به سلاح‌های هسته‌ای را در پیش داشته است و حتی در گذشته دولت آیزنهاور تصمیم گرفت که سلاح هسته‌ای را در اختیار ناتو قرار دهد تا به دنبال آن نباشد (کوهن، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

ایران و ۱+۵ با ناکامی در رسیدن به توافق جامع هسته‌ای تا مهلت تعیین شده ۲۴ نوامبر، تصمیم گرفتند، یک مهلت نهایی جدید (اول جولای سال آینده) را برای رسیدن به توافق جامع هسته‌ای و نهایی کردن جزئیات آن در نظر بگیرند. در حالی که عده‌ای مواضع نیروهای تندرو در کنگره آمریکا و یا ایران را مانع اصلی رسیدن به توافق می‌دانستند، گزارش‌ها حاکی از این بود که فرانسه با ادعای نگرانی از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران، موضعی حتی افراطی‌تر از ایالات متحده اتخاذ کرده است.

حال چرا فرانسه چنین موضعی در پیش گرفته است؟ نخست، باید یادآور شد که اتفاقاً فرانسه یک عضو جدید در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی) است. فرانسه در حالی در سال ۱۹۹۲ یعنی ۲۴ سال بعد از گشایش این پیمان برای امضا توسط کشورها به آن پیوست که ایران از جمله کشورهای بنیان‌گذار این پیمان بوده است. بعد از سال ۲۰۰۰ نیز، فرانسه به دنبال چند قرارداد هسته‌ای با کشورهایی مانند لیبی، اردن، الجزایر، مغرب، تونس و امارات متحده عربی رفت و قراردادهای هسته‌ای جدیدی با هند، چین، برزیل و آفریقای جنوبی امضا کرد. هر چند این قراردادهای خودی خود غیرقانونی نیستند و حتی ان.پی.تی از کشورهای هسته‌ای خواسته که به کشورهای غیرهسته‌ای در مسیر برنامه‌های هسته‌ای غیرنظامی آنها کمک کنند، این تلاش‌های فرانسه بدان معناست که فرانسه در سال‌های گذشته از گسترش فن‌آوری هسته‌ای در سطح جهان راضی بوده

۱. دیمونا: موافقت‌نامه هسته‌ای فرانسه و اسرائیل ۱۹۵۸، که منجر به ساخت نیروگاه هسته‌ای می‌شد. از زمان طرح باروخ، ایالات متحده با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مخالفت کرده بود (کوهن و آونر، ۱۳۸: ۱۱۷).

است. یوسف بوت، فیزیکی‌دان هسته‌ای و مشاور علمی ارشد شورای آمریکایی - انگلیسی اطلاعات امنیتی در لندن، در مقاله‌ای برای نشریه دیپلمات، این موضع فرانسه را ناشی از نگرانی‌های هسته‌ای نمی‌داند و معتقد است، دلیل آن را باید در طمع قدیمی فرانسه به قراردادهای دفاعی و هسته‌ای با کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس جستجو کرد. بنابراین، مانع ایجاد کردن فرانسه در مسیر توافق هسته‌ای با ایران را باید از زاویه منافع عظیم قراردادهای این کشور با کشورهای عربی منطقه دید. علاوه بر موضوع هسته‌ای، فرانسه قراردادهای جذابی نیز در بخش تسلیحات و خدمات نظامی با کشورهای عربی منطقه بسته است؛ برای مثال، فرانسوی‌ها سال گذشته، برای ساخت دو ماهواره جاسوسی، قرارداد یک میلیارد دلاری با امارات متحده عربی بستند. برای فرانسوی‌ها زمان بستن این قرارداد، بهتر از این نمی‌توانست باشد، زیرا قراردادهای نظامی فرانسه، سال پیش از آن، ۲۵ درصد کاهش یافته بود. این در حالی است که قراردادهای نظامی با این کشورهاست که صنایع نظامی فرانسه را زنده نگاه داشته است. تنها یک ماه بعد از قرارداد با اماراتی‌ها، فرانسوی‌ها قرارداد یک میلیارد یورویی با عربستان سعودی بستند تا چهار ناوشکن و دو کشتی سوخت‌رسان این کشور را اورهال کنند. با در نظر گرفتن چنین قراردادهایی، اصلا تعجیبی ندارد که فرانسوی‌ها بخواهند با ممانعت در مسیر توافق هسته‌ای با ایران، به مشتریان عرب خود لطفی کنند، ولی نکته طنزآمیز ماجرا تلاش فرانسوی‌ها برای کسب سود همزمان از فروش فن‌آوری هسته‌ای به عربستان سعودی و قطر است. فرانسوی‌ها همزمان با جلوگیری از توافق با ایران، به پیشبرد برنامه هسته‌ای سعودی‌ها کمک می‌کنند (دیپلماسی ایرانی، ۹۳/۱۰/۴).

۲-۳. حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران

بدون تردید یکی از دلایل عضویت کشورها در ان.پی.تی، از جمله ایران، بهره‌گیری از امکانات آن نهاد از جمله بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز بوده است. اما برخورد دوگانه و تبعیض‌آمیز این سازمان و خلف وعده‌های آن علیه شماری از اعضا، به ویژه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است. این عملکرد، نقض آشکار بندها و مواد مربوط به وظایف آژانس در قبال اعضا محسوب می‌شود. بطوری که وقتی ایران تصمیم می‌گیرد برای نمونه از این حق قانونی و مسلم خود برای تأمین سوخت رآکتور تحقیقاتی

اقدام به تولید اورانیوم غنی‌شده زیر ۲۰ درصد (در نطنز) کند، با موج جدید و گسترده شایعات کذب و اتهامات ناروا مواجه می‌شود. در صورتی که براساس اصل اباحه که هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است، حق غنی‌سازی اورانیوم برای استفاده صلح‌آمیز، برای تمامی کشورها از جمله ایران وجود داشته و دارد. همچنان که کشورهایمانند آلمان، فرانسه، آرژانتین و ژاپن دارای فناوری غنی‌سازی اورانیوم هستند، ولی در انجام آن، مورد اعتراض دیگران قرار نمی‌گیرند و این نمونه‌ای از تبعیض ناروا است. جامعه بین‌المللی با وضعیتی مواجه شده است که در آن دولت‌ها با الزامات نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای انطباق ندارند (Spies, 2006: 403). تاجایی که اخیراً جزایر مارشال دادخواست خود را نسبت به بعضی کشورها و از جمله بعضی کشورهای ۵+۱ مبنی بر عدم انجام تعهد خود به توقف و کاهش تولید و نگهداری سلاح‌های هسته‌ای تقدیم دیوان بین‌الملل دادگستری کرده است.

در مواردی که از دولت عضو، توسط شورای اجرایی خواسته می‌شود که اقداماتی را جهت تغییر وضعیتی که در ارتباط با پایبندی آن دولت به کنوانسیون انجام دهد، و نیز جایی که دولت عضو موفق به درخواست زمان مقرر نشود، کنفرانس اعضاء می‌توانند بر اساس توصیه شورای اجرایی به اقداماتی از قبیل تعلیق و تحدید حقوق و امتیازات دولت عضو، طبق کنوانسیون، تا انجام اقدامات لازم توسط آن دولت، جهت انطباق با تعهداتش در این کنوانسیون انجام دهد. در مواردی که ممکن است صدمه جدی ناشی از فعالیت‌های منع شده طبق کنوانسیون وارد شود، کنفرانس اعضاء می‌تواند اقداماتی دسته‌جمعی را مطابق حقوق بین‌الملل به دولت‌های عضو توصیه نماید. کنفرانس اعضاء باید در موارد بسیار دشوار مراتب را به همراه اطلاعات و نتایج به اطلاع مجمع عمومی و شورای امنیت برساند. (غریب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

۱-۲-۳. اختلاف بر سر حق غنی‌سازی و تفسیر ماده ۴ NPT

این که پیمان گسترش منع سلاح‌های هسته‌ای به چه میزان می‌تواند برای کنترل مراحل حساس چرخه سوخت مانع شود، هنوز کاملاً مشخص نیست. با این حال از طرفی مواد ۱ و ۲ آن. پی. تی. بیانگر تعهدات اساسی مربوطه و الزامات قانونی مهم شناخته شده در برابر انرژی صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز هسته‌ای می‌باشند. (Zarate, 2007: 3). درست

بلافاصله بعد از حصول نتیجه در ژنو در آذر ماه ۹۲، وزرای خارجه ایران و ایالات متحده در ۲ کنفرانس مطبوعاتی جداگانه ۲ رویکرد متفاوت را در خصوص وجود حق غنی‌سازی ایران در این توافق بیان داشتند، از سویی طرف ایرانی مدعی این امر بود این حق در این توافق نامه و در معاهده ان.پی.تی برای ایران به رسمیت شناخته شده است، و از طرفی وزیر خارجه آمریکا معتقد بود که دولت متبوعش چنین حقی را برای ایران به رسمیت نشناخته است. ایران همواره بر به رسمیت شناخته شدن حق غنی‌سازی خود اصرار ورزیده و تاکید داشت، که غنی‌سازی اورانیوم خط قرمز ایران است. آمریکا همواره در این خصوص یک موضع واحد داشته که در ماده ۴ ان پی تی^۱ اشاره ای به حق کشورها برای غنی‌سازی اورانیوم نشده است. این در حالی است که در سال ۱۹۶۸ زمانی که آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به عنوان حامیان معاهده منع تکثیر تسلیحات هسته‌ای متن نهایی را برای امضاء مهیا می‌کردند، ویلیام فاستر مدیر کل آژانس کنترل و خلع سلاح تسلیحاتی آمریکا با حضور در کمیته روابط خارجی سنا تاکید کرد که در این معاهده به کشورهای فاقد تسلیحات هسته‌ای اجازه ورود به چرخه تولید سوخت داده شده است. در سال ۲۰۰۵ آمریکا تلاش زیادی برای محدودتر شدن کشورها در استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای انجام داد، اما چون اکثر کشورها با آن مخالفت کردند موفق به این کار نشد. این موضوع نشان می‌دهد که آمریکا حتی پیش از تصویب نهایی متن ان.پی.تی هم حق غنی‌سازی را برای تمام کشورهای امضاءکننده پذیرفته بوده است. تنها پس از جنگ سرد بود که آمریکایی‌ها به همراه فرانسه و انگلیس و بعدها اسرائیل تصمیم گرفتند برای کنترل کشورهای غیرغربی خطوط نانوشته‌ای را به ان.پی.تی اضافه کنند. اگر غرب بر اهمیت معاهده و تعهدات مندرج در ان.پی.تی در خصوص عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای تاکید دارد، باید به در مقابل، حق دولت‌های عضو بر ایمن کردن خود در برابر هر گونه اثر کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را

۱. ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای:

هیچ یک از این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد گردید که به حقوق غیر قابل انکار هر یک از اعضای آن به منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای جهت اهداف صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و منطبق با مواد ۱ و ۲ این معاهده، خللی وارد نماید. همه اعضا این معاهده متعهد می‌گردند که تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند. اعضای معاهده در صورت توانایی باید انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه مخصوصاً در قلمرو اعضای که فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشند و با توجه به نیازهای مناطق در حال توسعه جهان، مشارکت نمایند.

نیز به رسمیت بشناسد (ساعد، ۱۳۸۷: ۳۵). با این حال ظاهر امر در این است که حاصل آن دیپلماسی حقوقی این نتیجه بود که ایران غنی‌سازی اورانیوم‌های خود را از ۲۰ درصد به ۵ در کاهش دهد و هیچ سانتریفیوژ جدیدی را هم در طول مدت ۶ ماهه توافق اضافه نکند. مفهوم مخالف این امر این است که ایران مجاز به غنی‌سازی ۵ درصدی می‌باشد و نیز می‌تواند سانتریفیوژهای کهنه یا خراب خود را جایگزین سازد. با این وجود به نظر می‌رسد با اینکه ایالات متحده هم آن توافق را امضاء کرده به این مسئله واقف باشد ولی سعی داشته تا زیر بار این امر نرود تا بتواند با توجه به دیپلماسی عمومی خود، فشارهایی وارد آورد و امتیازات بیشتری را در مرحله‌های بعدی کسب کند و نیز تاحدی خشم دولت اسرائیل را در این مرحله کاهش دهد.

ماده ۳ اساسنامه آژانس و ماده ۴ ان.پی.تی بر حق جهانی توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز تاکید نموده است. «حق غیرقابل سلب بر انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز» به ویژه در ماده ۴ ان.پی.تی، دارای اوصاف بنیادین زیر است:

- این حق، دائر بر کلیه فرآیندهای منتهی به تحقق انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز است. در نتیجه، از مرحله شناسائی معدن، خرید و کسب اورانیوم طبیعی گرفته تا غنی‌سازی، ایجاد نیروگاه، داشتن دانش هسته‌ای بومی و نهایتاً هر چیزی که ابعاد فنی تحقق این حق را در تمامی سطوح آن شامل شود، بخشی از این حق است.

- این حق همگانی یعنی برای همه دولت‌های عضو این معاهده است.

- این حق ذاتی است و معاهده تنها به شناسائی و تضمین آن پرداخته است

- از آنجا که این حق را معاهده مذکور پدید نیاورده است، معاهده و اجرای آن نیز نمی‌تواند نافی آن باشد.

ماده ۴ معاهده هیچ الزام دیگری برای کشورها ایجاد نمی‌کند و صرفاً بر آزادی طرف‌های امضاءکننده برای تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تأکید می‌کند. بر این اساس، ایران به عنوان یک کشور عضو ان.پی.تی آزاد است که از جمله اورانیوم را غنی کند، و در عین حال از لحاظ قانون ملزم به تولید نکردن سلاح هسته‌ای است. هیچ چیز در این معاهده نباید به معنی تاثیر گذاری برحق پایان ناپذیر تمامی اعضای این پیمان برای تولید، تحقیق و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز، بدون تبعیض و مطابق با بندهای یک و دو این پیمان باشد.

۲-۲-۳. روش‌های حقوقی برای اطمینان بخشی به پایبندی به NPT

سیستم سنتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همان نظارت از طریق بازرسی است که توسط آژانس و با توجه به قراردادهای دو جانبه میان آژانس و کشور مربوطه صورت می‌گیرد (Herdman, 1995: 27). که از دو طریق قابل اعمال است، یکی نظارت بر مواد اولیه‌ایی که به منظور سوخت وارد تاسیسات می‌شوند و دیگری اعمال بازرسی بر محل تاسیساتی است که از طرف کشور مربوطه به آژانس اعلام نشده است (C. herdman, 1995:37). با این حال در صورتی که آژانس تشخیص دهد کشوری از چارچوب مقررات آن خارج شده می‌تواند با تهیه گزارشی وضعیت پیش آمده را به شورای امنیت گزارش دهد تا در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که این مورد از موارد تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی است، اقدامات لازم را در خصوص آن موضوع بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد به عمل آورد. دستاویزی که برای غرب وجود داشت تا ایران را عنصری برهم زننده نظم و امنیت بین‌المللی تلقی کند، ادعای آنها مبنی بر کمک ایران به گروه‌هایی که آنها در لیست تروریسم خود قرار دادند و نیز ادعای ایران مبنی بر عدم مشروعیت اسرائیل و حذف آن از صحنه جهانی بود.

با این حال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز شورای امنیت هیچ‌گاه نتوانستند که ثابت کنند که برنامه ایران غیرصلح‌آمیز است، این نوع دیپلماسی هسته‌ای که ایران پیش گرفته بود اگرچه می‌توانست از فشارهای حقوقی و تحریم‌ها بکاهد ولی هیچ‌گاه نتوانست جلوی اثرگذاری آنها بگیرد که با توجه به تجربیات بعد از مذاکرات ژنو، به نظر می‌رسد که دیپلماسی حقوقی توانسته آن را تکمیل کند.

در حوزه عدم گسترش (وحتی خلع سلاح کشتار جمعی در کلیت آن) مقررات بین‌المللی حاکی از تعهد دولت‌ها به همکاری بین‌المللی در توسعه صلح‌آمیز وجود دارد که اجرای آنها مانع از آن است که دولت‌ها به صورت مطلق بتوانند سیاست‌های صادراتی خود را آن‌گونه که می‌پسندند اجرا نمایند (ساعد، ۱۳۸۷: ۵۶).

۴. دیپلماسی حقوقی در بیانیه لوزان ۴-۱. دیپلماسی و نتایج به دست آمده

بعد از یک دور فشرده مذاکرات بین وزرای خارجه ایران و ۱+۵ از ششم تا سیزدهم فروردین ۱۳۹۴ در شهر لوزان سوییس بیانیه‌ایی تحت عنوان لوزان میان کشورهای مذاکره‌کننده امضاء شد که بر اساس آن بیانیه کلیاتی در جهت یک توافق اصلی میان این کشورها مورد موافقت قرار گرفت و در واقع چارچوب‌های مورد نیاز توافق جامع حاصل آمد و در آن ذکر شد که در این تصمیمات متن نهایی برجام پایه‌ریزی خواهد شد. بر اساس این بیانیه همچنان که ایران برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را دنبال می‌کند، سطح و ظرفیت غنی‌سازی و میزان ذخایر ایران برای دوره‌های زمانی مشخص، محدود خواهد شد و نطنز تنها مرکز غنی‌سازی ایران خواهد بود. تحقیق و توسعه غنی‌سازی در ایران بر روی ماشین‌های سانتریفیوژ بر اساس یک جدول زمانی و سطح توافق شده، انجام خواهد شد.

فوردو از یک سایت غنی‌سازی به یک مرکز هسته‌ای، فیزیک و فن‌آوری تبدیل خواهد گردید. در این مرکز همکاری بین‌المللی در حوزه‌های تحقیق و توسعه مورد توافق مورد تشویق قرار خواهد گرفت و مواد شکاف‌پذیر در فوردو نخواهد بود.

راکتور تحقیقاتی پیشرفته آب سنگین در اراک با همکاری مشترک بین‌المللی بازطراحی و نوسازی خواهد شد به گونه‌ای که پلوتونیوم با قابلیت تسلیحاتی در آن تولید نگردد. بازفرآوری صورت نخواهد گرفت و سوخت مصرف شده صادر خواهد گردید.

اتحادیه اروپایی، اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با هسته‌ای خود را خاتمه خواهد داد و ایالات متحده نیز اجرای تحریم‌های مالی و اقتصادی ثانویه مرتبط با هسته‌ای را، همزمان با اجرای تعهدات عمده هسته‌ای ایران به نحوی که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راستی‌آزمایی شود، متوقف خواهد کرد.

یک قطعنامه جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر خواهد شد که در آن برجام تأیید شده، کلیه قطعنامه‌های قبلی مرتبط با موضوع هسته‌ای لغو خواهد گردید و برخی تدابیر محدودیت‌ساز مشخص، را برای یک دوره زمانی مورد توافق، لحاظ خواهد کرد.

بعد از این بیانیه، وزیر خارجه ایالات متحده بیان داشت که با استفاده از این

چارچوب‌ها می‌توانیم از عدم دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای مطمئن شویم^۱ و این در حالی بود که برخی جمهوری خواهان کنگره آمریکا این بیانیه را برای تحقق این موضوع ناکافی و حتی به ضرر ایالات متحده می‌دانستند و با این که برخی متخصصین بیانیه لوزان را به جهت اینکه ایران را برای مدت زیادی از تولید سلاح هسته‌ای دور نگه می‌دارد خوب تلقی می‌کردند (Brosh, 2015: 1). در اینجا دیدگاه آن دسته از کسانی که معتقدند که اولاً دیپلماسی یک رویه عمومی میان دولت‌هاست و ثانیاً این رویه می‌تواند شامل آشتی آنها با حقوق بین‌الملل باشد (Hurd, 2011: 582)، تحقق می‌پذیرد. چرا که در آیین دیپلماسی نمی‌توان یک سویه جلو رفت و خواسته‌های یک‌جانبه مطرح کرد، چرا که اصلاً ماهیت یک روش حل و فصل اختلاف بین‌المللی به صورت سیاسی تاب این موضوع را ندارد.

به دلیل اینکه یک طرف در اختلاف ممکن است اهرم‌های بالاتری داشته باشد، این امکان برای دادن امتیازات بیشتر از طرف کشور پایین‌دستی افزایش می‌یابد، لکن چنانچه منافع ملی مشخصی داشته باشیم که بدانیم از چه مواردی می‌توان عدول و از چه مواردی نمی‌توان گذشت، تکلیف قضیه روشن‌تر خواهد بود. در سیستم حقوقی داخلی، پشت فرد ظلم دیده به قانون و مجریان آن گرم است ولی چنین ساز و کاری در حقوق و روابط بین‌الملل موجود نمی‌باشد و اصلاً کار دیپلماسی حقوقی این است که با چانه‌زنی از طریق حقوق بین‌الملل منافع ملی را تامین کند. به نظر می‌رسد مذاکره‌کنندگان هسته‌ای سعی در برداشتن تحریم‌ها داشته‌اند و قول آن را به طریقی که گذشت برای برجام گرفته بودند، اما این که این دیپلماسی حقوقی چه میزان موفق شد در برجام معلوم می‌گردد.

۲-۴. حق بر غنی‌سازی

بر اساس پاراگراف چهارم بیانیه لوزان، این حق بر غنی‌سازی جهت مصارف صلح‌آمیز به طور رسمی برای ایران شناخته شد.^۲ اگرچه ذکر شده که "سطح و ظرفیت غنی‌سازی و میزان ذخایر ایران برای دوره‌های زمانی مشخص، محدود خواهد شد و نظنز تنها مرکز

1. see: <http://www.state.gov/secretary/remarks/2015/09/246574.htm>

2. As Iran pursues a peaceful nuclear programme, Iran's enrichment capacity, enrichment level and stockpile will be limited for specified durations, and there will be no other enrichment facility than Natanz.

غنی‌سازی ایران خواهد بود" اما بعد از آن همه کش و قوس‌های ایالات متحده که بیان می‌داشت حقی برای غنی‌سازی برای ایران وجود ندارد و ایران تنها مکلف به متوقف کردن برنامه هسته‌ای خود می‌باشد، دستاورد بزرگی محسوب می‌شد. در واقع این دیپلماسی حقوقی بود که توانست با استناد به ماده ۴ NPT این دستاورد را برای ایران به ارمغان بیاورد.

۵. دیپلماسی حقوقی در برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)

۵-۱. ویژگی‌های برجام

برجام در ابتدا سعی کرده تاکید کند که این متن فقط سعی دارد مطمئن شود مساله هسته‌ای ایران به صورت صلح‌آمیز ادامه پیدا می‌کند و تاکید کند که ایران در صدد تولید سلاح هسته‌ای نخواهد بود^۱ و این موضوع از عدم اطمینان کامل ۵+۱ خبر می‌داد. اما واقع‌گرایانه این است که نتیجه آن مورد بررسی قرار گیرد.

ادبیات حقوقی برجام در نوع خود منحصر به فرد است و نتیجه مذاکرات نیز که به توافق وین یا برجام و متعاقب آن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منجر شد در نوع خود و از جهات مختلف بی‌نظیر است، از جمله ادبیات حقوقی و سیاسی به کار رفته در این متون و ضمائم آن‌ها، نحوه اعلام نهایی شدن مذاکرات بدون امضای طرفین، مطول بودن هر دو متن، فرآیند اجرای متناظر تعهدات طرفین، گره خوردن یک توافق با یک قطعنامه شورای امنیت بدون اختلاط آنها، ساز و کار حل اختلافات فیما بین، تایید یک توافق در یک قطعنامه شورای امنیت و منضم شدن آن توافق به قطعنامه، لغو شش قطعنامه فصل هفتمی علیه یک کشور با صدور یک قطعنامه به نفع آن کشور، گستردگی دامنه تعهدات موجد طرف‌های توافق از ۹۰ روز تا ۲۵ سال، اعلام این نکته در مقدمه برجام که مقررات برجام در زمره عوامل موجد سابقه عرفی محسوب نمی‌شود و تاثیری در شکل‌گیری اصول بنیادین حقوق بین‌الملل ندارد. صدور یک قطعنامه توسط شورای امنیت براساس ماده ۲۵، ظاهراً نه فصل شش و نه فصل هفت، استناد به ماده ۴۱ فصل هفتم در ۱۰ بند از ۳۰ بند

۱. بند دوم و سوم از قسمت اول:

- ii. The full implementation of this JCPOA will ensure the exclusively peaceful nature of Iran's nuclear programme.
- iii. Iran reaffirms that under no circumstances will Iran ever seek, develop or acquire any nuclear weapons.

قطعنامه، سازکار و شرایط خاص برگشت‌پذیری قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت تحت شرایط خاص و جهات دیگر (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۴).

با این همه ویژگی‌های دیپلماسی حقوقی چیز دیگری است. مذاکره‌کننده‌ای که دیپلماسی حقوقی را در پیش می‌گیرد باید همانند یک وکیل برای موکل خود عمل کند. این که تمامی تحریم‌ها قابلیت برگشت‌پذیری به صورت یک‌جا را داشته باشند، در حالی که ایران بسیاری از سانترفیوژهای خود را تخریب کند موجب تحمل ضرر سنگینی برای ایران خواهد شد.

۲-۵. وضعیت حقوقی برجام

در مورد ماهیت برجام اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد، اما طرفین همواره بر عدم معاهده بودن آنها اذعان داشته‌اند و برخی معتقدند که اگر بخواهیم پوزیتویسمی به قضیه نگاه کنیم، هیچ اراده‌ای در ماهیت معاهداتی برجام دیده نمی‌شود. در مقابل بسیاری معتقد هستند که آن چه خروجی برجام بود، باتوجه به تعریف و ویژگی‌هایی که از معاهده، وفق کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات می‌شناسیم، چیزی جز معاهده نمی‌تواند باشد و دلایل بسیاری را نیز بر این مدعا ارائه کرده‌اند که از حوصله بحث خارج است. نکته مثبت برجام برای ایران که می‌توانیم آن را حاصل این نوع دیپلماسی بدایم بندهای ۵ و ۴ آن است که در آن حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای به رسمیت شناخته شد^۱ و که در بیانیه لوزان نیز پیش‌بینی شده بود، که نتیجه آن را لغو تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های چندجانبه و برای دسترسی به منابع مالی، انرژی، تجارت، فناوری اعلام کرد^۲ که تا همین جا گام بسیار مهمی بود. چرا که وزیر خارجه ایالات متحده حتی پس از لوزان نیز بیان داشت که حقی برای غنی‌سازی برای ایران وجود نخواهد داشت و با این بند در برجام دسترسی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای به رسمیت شناخته شد.

1. IV. Successful implementation of this JCPOA will enable Iran to fully enjoy its right to nuclear energy for peaceful purposes under the relevant articles of the nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT) in line with its obligations therein, and the Iranian nuclear programme will be treated in the same manner as that of any other non-nuclear-weapon state party to the NPT.

2. V. This JCPOA will produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear programme, including steps on access in areas of trade, technology, finance and energy.

ساز و کارهای لغو تحریم‌ها اصلاً به نفع ایران جلوه نمی‌نماید، کما اینکه بعد از گذشت مدتی، به اذعان خود دولت، هنوز مردم نتوانستند مزایای برجام را حس کنند. این موضوع که ایران این ادعای را داشت از فردای حصول نتیجه تمامی تحریم‌ها باید به یک‌باره برداشته شوند، که همانطور که گذشت با توجه به سابقه‌ای که از وضعیت عراق وجود داشت، بسیار بعید هم به نظر می‌رسید تحقق نپذیرفت و برداشتن تحریم‌ها به منظور حصول به اطمینان بیشتر به دوره‌های چند ساله و حتی تا ۲۵ ساله واگذار گردید. اما در عوض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، مصوب ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ بار حقوقی و یک الزام بین‌المللی بیشتری بر برجام نهاد و یک تعهد حقوقی را وفق مقررات برجام مبنی بر لغو تحریم‌ها و کان لم یکن شناختن قطعنامه‌های ۱۹۶۹ (۲۰۰۶)، (۱۷۳۷)، ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳، (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵، (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) ایجاب کرد.

اما نمی‌توان تصور کرد که اگر این شیوه دیپلماسی به کار گرفته شود همه چیز باید به نفع یک طرف باشد و قطعاً در مذاکره تئوری بازی نقش اول را دارد. شاید بیشتر بتوان این برداشت را داشت که در دیپلماسی حقوقی، مبانی حقوق بین‌الملل رعایت می‌شود و از حقوق حقه دفاع اصولی خواهد شد.

نتیجه

ایران باید از نوعی دیپلماسی حقوقی بهره‌برد تا بتواند به مقاصد خود برسد. در واقع دیپلماسی حقوقی همان لزوم به کارگیری حقوق بین‌الملل و استدلال و برهان‌طلبی در عرصه مذاکره هست که مورد توجه مذاکره‌کنندگان هسته‌ای ایران قرار گرفته بود. در دیپلماسی حقوقی مذاکره‌کنندگان می‌بایست با استفاده از طرح دعاوی حقوقی علیه طرف‌های مقابل بر اساس اصول حقوق بین‌الملل موجود و نیز اصولی که به نظر طرف مدعی در زمره اصول حقوقی قرار می‌گیرند، اهداف و منافع خود را دنبال نماید. ولی این موضوع را هم باید در نظر داشت که تمام مذاکرات بین‌المللی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات باید با اطمینان کامل طرفین صورت گیرد و این اطمینان نیز گاهاً با دادن امتیازاتی که ممکن است طرفین، حق خود می‌دانند رخ خواهد داد. پس آن چه در دیپلماسی حقوقی اهمیت دارد همین حصول به نتیجه حقوقی و اطمینان‌بخشی طرفین از ادله خواهد بود اما به هر حال هیچ‌گاه در یک سیستم حقوق بین‌المللی که بر پایه

پوزیتویسم منفعت‌طلبانه و رئالیسم سیاسی قرار دارد، چیزی نمی‌تواند جای تئوری بازی را پر کند.

دور از ذهن نیست که بعضی دول غربی به طور مسقیم و غیرمستقیم از عدم توانایی هسته‌ای ایران سود می‌برند، بنابراین بهانه‌های گوناگونی را، بر راه پیشرفت این مذاکرات قرار می‌دادند، پس ایران باید در آوردگاه دیپلماسی به گونه‌ای عمل می‌کرد که الزام طرف مقابل را به مقررات بین‌المللی بیشتر کند. بنابراین به نظر می‌رسد که دیپلماسی حقوقی مذاکره‌کنندگان ایران در موافقت‌نامه ژنو، بیانیه لوزان و برجام توانسته موفق باشد و نتیجه مطلوب که همان کاهش تحریم‌ها و نقش‌آفرینی در عرصه بین‌المللی می‌باشد را ایفا کند اما باید ساز و کارهای اجرایی برای عملی کردن لغو تحریم‌ها و تاثیر مستقیم آنها بر زندگی مردم نیز پیاده گردند. دیپلماسی حقوقی می‌تواند به مذاکرات محدود نشود و بعد از آن نیز ادامه پیدا کند، کما اینکه امروزه می‌بینیم اگرچه برجام به حاصل نشست، ولی ثمره نهایی آن که کاهش بیشتر فشارها و لمس اوضاع بهتر اقتصادی برای مردم ایران بود، کاملاً به بار ننشسته است و این موضوع نیازمند پیگیری‌های مجدد از سوی مقامات ایرانی است، چرا که ایران به بیشتر تعهدات خود در برجام عمل کرده و حتی پرونده هسته‌ای ایران نیز در PMD بسته شده و هم اکنون نوبت به طرف مقابل است تا حسن نیت و عمل خود را به اثبات برساند.*

کتابنامه

منابع فارسی

آشنا، حسام‌الدین و نادر جعفری. (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»،

دوفصلنامه دانش سیاسی، ۵.

بیژنی، مریم. (۱۳۸۴). «دیپلماسی در گذر زمان»، *مجله سیاسی-اقتصادی*، ۱۰۲-۱۰۱.

جنتلسون، بروس. (۱۳۸۹). «دیپلماسی اجبار؛ گستره و محدودیت‌ها در دنیای معاصر»، ترجمه ناصر

اسدی، پژوهشنامه خلع سلاح، ۱.

جواد، محمدجعفر. (۱۳۷۴). «ماهیت متحول دیپلماسی»، *مجله سیاسی-اقتصادی*، ۱۰۲-۱۰۱.

جونز، والتر. (۱۳۷۳). *منطق روابط بین‌الملل*. ترجمه داود حیدری. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،

تهران: چاپ اول.

حبیبی‌مجنده، محمد. (۱۳۹۲). روزنامه قانون، شماره ۳۸۰، ۱۵ اسفند.

حجازی، حسین و مجتبی زارعی. (۱۳۸۷). *نهضت ملی هسته‌ای در ایران*. تهران: نشر دانشگاهی.

دبیری، محمدرضا. (۱۳۷۰). *استراتژی و تاکتیک در مذاکرات دیپلماتیک*. تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی. چاپ دوم.

روحانی، حسن. (۱۳۹۱). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.

چاپ چهارم.

سادات‌میدانی، سیدحسین. (۱۳۹۵). «اختلاف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران در پرونده هسته‌ای از

دیدگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۵۴.

سیمبر، رضا و ارسلان قربانی. (۱۳۸۸). «دیپلماسی نوین در روابط خارجی، رویکردها و ابزارهای متغیر»،

فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱ (۴).

سیمبر، رضا. (۱۳۸۹). «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، *دانش*

سیاسی، ۶ (۱۲).

..... (۱۳۷۸). «فراسوی دیپلماسی بازدارنده: صلح‌سازی، پاسداری و تامین صلح»، *مجله سیاست*

خارجی، ۳.

..... (۱۳۸۵). «کارویژه‌های دیپلماسی مدرن در روابط بین‌الملل»، *مجله سیاست خارجی*، ۲۰ (۱).

غریب‌آبادی، کاظم. (۱۳۸۱). *آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات*. سازمان جغرافیایی

دفاعی و امور بین‌الملل وزارت دفاع. تهران: چاپ اول.

قاسمی، مه‌رمان. (۱۳۸۷). *نیم قرن پرونده هسته‌ای ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قالیباف، محمدباقر. (۱۳۹۱). *برنامه راهبردی دیپلماسی از برنامه پیشرفت و عدالت*. تهران: موسسه

اندیشه و عمل پویا.

کوهن، آونر. (۱۳۸۱). *اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای*. ترجمه رضا سعیدی محمدی. تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی. چاپ اول.

گنجی‌دوست، محمد. (۱۳۸۷). «تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات»، *فصلنامه سیاست*، ۳۸ (۱).

نادر، ساعد. (۱۳۸۷). *گفتارهایی پیرامون ایران و حقوق بین‌الملل انرژی هسته‌ای*. تهران: نشر

خرسندی.

ویکلین، جان. (۱۳۶۹). *مبانی دیپلماسی چگونگی مطالعات روابط میان دول*. تهران: نشر قومس.

چاپ اول.

نشست تخصصی ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای. (۱۳۹۴). به همت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل

متحد، مرداد.

منابع انگلیسی

AFord, Ch. (2009). *Nuclear Technology Rights and Wrongs, the NPT*. Available at: http://faculty.wcas.northwestern.edu/~ihu355/Home_files/practice%20of%20diplomacy.

C. herdman, R. (1995). *Nuclear Safeguards and the International Atomic Energy Agency*. International Atomic Energy Agency pub.

D. Lowenthal, M. (2011). *Science Diplomacy for Nuclear Security, United States Institute of Peace*.

F.Cooper, A. (2013). *Oxford handbook of modern Diplomacy*. Oxford University press.

Hurd, L. (2011). Law and practice of diplomacy. *International Journal*.

- Oded, B. (2015). The Lausanne Iran Nuclear Framework Agreement – Good Deal, Bad Deal, Both or Neither?. *Institute for Policy and Strategy (IPS)*.
- S. Rana, K. (2001). *21st Century Diplomacy*. the Continuum International Publishing Group.
- Spies, M. (2007). Iran and the limits of the nuclear non-proliferation regime. *American University Washington college of LAW*.
- Stanko, N. (1998). The role of the legal adviser in modern diplomatic services. *Modern Diplomacy*.
- Watson, A. (2005). *Diplomacy the dialogue between states*. Taylor & Francis e-Library.
- Zarate, R. (2007). the NPT. *IAEA Safeguards and Peaceful Nuclear Energy*
Available at: http://www.npolicy.org/article_file/The_NPT_IAEA_Safeguards_and_Peaceful_Nuclear_Energy.
- www.irdiplomacy.ir
- www.afsaran.ir
- www.state.gov

